

جدایی آذربایجان دوباره شوینیسیم فارس را تکرار خواهد کرد!

در خصوص اینکه در مناطق تورک نشین ایران ستم ملیتی از جانب حکومت مرکزی فارس روا می شود برای ما جای هیچ گونه شک و شبهه ای ندارد، ممنوعیت آموزش به زبان مادری نمود عینیت یافته این واقعیت تلخ است که سالها بدون اینکه بدانیم بر گردن ما گذاشته شده و حال که آنرا مطالبه می نمائیم به نام جدایی طلب و کسانی که به خاک ایران تجاوز می کنند سرکوب می شویم اما این خاک بدون انسانهایی که در این خاک زیست می کنند و به عبارتی بر روی آن کار می کنند و تولید به واقع هیچ ارزشی ندارد، آذربایجان برایمان بدان جهت اهمیت دارد که جامعه ای انسانی، به زبانی ترکی در آن می زیند و بدون این مردمان نه تنها این خاک که خاک هیچ جای دیگری ارزشی نخواهد داشت، و حال به رسمیت شناختن زبان مادری مردم این منطقه حق دموکراتیک و طبیعی آنها می باشد چرا که مردم این جامعه طبیعتاً به زبان تورکی گویش کرده و به توسط همین زبان هم فکر می کنند.

اما در این میان نیروهای سیاسی ارتجاعی سوار بر موج اعتراضی مردم این منطقه در خصوص ملیت خود، می روند که به عنوان یک آلترناتیو سیاسی رهایی بخش مطرح شوند اما در پی منافع اقتصادی خود سالهاست در صدد بر آمده تا این جنبش را به سمت منافع طبقاتی خود سوق داده و آنرا به حاشیه برانند.



نشریه ای کارگری و کمونیستی در برابر آلترناتیو های ارتجاعی و سرمایه دارانه در آذربایجان



نیما پور یعقوب و ساسان واهی توتوقلاندیلار

نیکی سولجو (تبریزین یونیورسیتی) اکتویسیت یانی نیما پور یعقوب خرداد آیینین 19 دا و ساسان واهی خرداد آیینین 20 سینده توتوقلاندیلار.

بیزیم بو یولداشلار شوان تبریز اطلاعات ایدارسینده محبوس دیلر.



شاهرخ زمانی نقاشلار سندیکاسی عضوی توتوقلاندی

شاهرخ زمانی نقاش سندیکاسینین عضوی «آی ال او»

اسلام سرمایه جمهوری اوزونو اجتماعی حرکتلرین محاصرینده گوررکنن توتوب وروب و دوسداقا سالیب و اولدورمکندن سونرا آیری بیر یول تاپابیلیر.

رژیم چاره سیزلیکدن بیله بیر تشبثاتا ال ویریب و اوزونو خالق ایچینده داهیدا رسوای نتمکده دیر .

رژیم خرداد آیینین 17 سینده شاهرخ زمانی نقاش سندیکاسینین و «کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگرنین» عضوین یاخالیب و تبریزین زندانیندا محبوس نلدی.

بو آزادا آی ای او ژنودا بویوک بیر توپلانتیسی اولدو و ایران اسلامی کاپیتالیست دولتی نوز مامورلارینی ایرانین ایشچی لارین برینه اورایا گوندردی، اما شوان دا ایران ایشچی صنیف اکتویستلاری زنداندا دیلار، ایرانین هپی ایشچی تشکیلاتلاری آی ال او اعتراض نلدی و اوروپا

دا اولان ایرانلی سوسیالیستلار (نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران در خارج کشور) بو مجلسین برینده بیر پروتست کوردو که فرانسه دا اولان سندیکاجی لار دا بو پروگراما کی ایرانین رژیم ینه قارشی چیخدی یاردیم ندی لر.

ذات شوینیسیم که خود پدیده و ماحصل نظام طبقاتی و سرمایه دارانه است بر مرکز گرایی گذارده شده، شوینیسیم به عنوان روبنا بر اقتصاد سرمایه داری سوار و توأمآ بر آن تاثیر گذار است، آنچنان که فاصله بین شهر و روستا در این نظام هیچ گاه از بین نخواهد رفت، فاصله بین ملیت های مختلف نیز چنین روزگاری دارد، برای مثال می توان به نمونه تفاوت دو شهر تهران و تبریز اشاره نمود، اما باید واقف بود که تهران به عنوان مرکزیت سرمایه داری ایران مادام که در این مقام است تفاوت خود را در برتری نه فقط با تبریز که با تمام شهر ها حفظ خواهد نمود، چرا که بیشترین میزان سرمایه در آن انباشت یافته، نمونه تفاوت تهران با شهر کوچکی همچون اردکان یزد که از قضا فارس نشین است صحت چنین چیزی را بیان می نماید.

چنین تناسبی به صور پراکنده تر میان شهر های دیگر نیز موجود است، برای مثال می توان تبریز و ماکو را مثال زد، می خواهم پایه بحث بدان جا کشیده شود که مرکزگرایی غیر دموکراتیک اساساً ذات نظامات طبقاتی بوده و اهرام موجود در آن هر چقدر که کوچک و خرد شوند به دلیل ماهیت متمرکز شدن آن در کانون واحد در پی یافتن قدرت خود به خود به سمت گسترش برای انباشت بیشتر اشتها دارد.

اما نیروهای سیاسی به ظاهر ملی گرای آذربایجان ایران که خود از نظام سرمایه داری به شکل جهانی و ملی آن تغذیه می کنند در پی موقعیتی برای خود بنا به تعریف بالا بوده و حتی توأم شدن بازار در مناطق تورک نشین ایران با آنها در رویای تبدیل شدن به بورژوازی ملی در هیبت مترقی که ذهن را با نقش بازار برای سرکوب انقلاب 57 و نقش آن در آن دوره تداعی می کند که فرایند خوشی را نخواهند آفرید.

اساساً این نیروها چنین تعبیر می کنند که در صورت جدایی و رفع ستم ملی مشکلات ما حل خواهد شد! اما چگونه؟ آیا مسئله امروز برای ما فقط آموزش به زبان مادری است؟ یا تنها

سرمایه داری تورک در فردای به قدرت رسیدن خود ناچاراً برای پوشش ضعف های خود در حکمرانی به مردم نیازمند ایجاد که حکومت مرکزگرا به مانند تمام دولت های موجود در دنیا است، و در این آینده آذربایجان به پایتختی تبریز چیزی دور از ایران به پایتختی تهران نبوده کما اینکه به واسطه عقب ماندگی خود در امر تولید و دولت گردانی قطعاً به جنبش های اجتماعی و معیشت مردم حمله ای وحشیانه خواهد نمود، این امر فقط در مورد آذربایجان صادق نبوده و وضعیت دولت های قدرتمند غربی و رابطه متضاد ایشان با مردم که امروز به صورت عینی در آمده است و در سرتاسر جهان قابل مشاهده است آینده چنین چیزی را در مقابل ما قرار داده است.

ای قهرمان تبریزیم!

حسن جداری

یاشا یاشا ای قهرمان، تبریزیم

ای اودلارا دائم یانان، تبریزیم

تاریخ بویی، آزادلیقین یولوندا

زحمت چکوب جان یانديران، تبریزیم

باقرخان تک ایگیت لرین مسکنی

سن بسله دون ستارخان، تبریزیم

واردور سنون، حیدرخان تک

شئرلرین

داغلاریندا گزر، اصلان، تبریزیم

استبدادین قول قانادین سیندیریب

علی مسیو، حسین

باغوان، تبریزیم

اوغلانلارین خیابانی، ارانی

بهرنگیه اولدون مکان، تبریزیم

یوزلر، مین لر، فدائی لر، سنون دور

هربیری، بیر شیر ژیان، تبریزیم

آدین، سانین، هر دیارا یاییلوب

عالم سنه اولموش حیران، تبریزیم

الهام آلیر سندن بوتون ئولکه میز

ایگیت لرین یوردی اولان، تبریزیم

سوندرنمزدوشمن سنین اودووی

سیننده، مین آتشفشان، تبریزیم

اصلان کیمی، دوردون گینه ایباغا

جبهه لرده، آنتدین جولان، تبریزیم

چکدین گویه، ستارخانلار بایراغین

ظلمه قارشسی، آنتدین

عصیان، تبریزیم

سالدین قورخی، دشمنلرین جانینا

جانیم اولسون سنه قربان، تبریزیم

اراده وی، قدرتوی، شانویوی

دشمنلره وئردون نشان، تبریزیم

قان توکولدی دیواریندان داشین

دان

دعوا گونی، ای قوجامان، تبریزیم

آخدی قانین، کوچه لرده، سنل

تکین

ئوز قانیوا، اولدون غلطان، تبریزیم

دسته دسته ایگیت لرین، ئولدولر

باغیرین اولدی غم دن القان، تبریزیم

شهید لرین قانی، یره توکولموش

باش گوزوندن قانی آخان، تبریزیم

دشمنلره وئرمه امان، تبریزیم
آلچاقلاردان، فولدورلاردان، قوردلاردان
قویما قالا بیرده نشان، تبریزیم

بیرگون گلر، قارا گونون قورتولار
اوزون گولر، اولار خندان، تبریزیم
اسارتین زنجیرلری قیریلار
آزاد یاشار هر بیر انسان، تبریزیم
ظالم لرین تفاق لاری، داغیلار
ظلمین ائوی، اولار ویران، تبریزیم
گل لر آچار چمن لر ده، باغلاردا
بولبول لرین اوخور الحان، تبریزیم
لاله بیتر شهیدلرین قانین نان
هریان اولار بیر گلستان، تبریزیم

دوشمن بیزیم بو ائل لری ازنمز
توکولسه ده، مین لرحه
قان، تبریزیم

سلام اولسون قورخی بیلمز ائلیوه
آنا یوردوم، ای قهرمان، تبریزیم
دوشمنلردن، ائل انتقام آلاجاق
قالمیه جاق یرده بو قان، تبریزیم

شانلی وطن، ای آلولارئولکه سی
ای سوگلیم، ای مهربان، تبریزیم
سنگرلرده، دویوشلرده، جبهه ده
داغلار کیمین، محکم دایان، تبریزیم
گونش تکین ایشیقلاندر ائل یولون
چراغ اولوب هریاندا، یان، تبریزیم
اسارتین زنجیرلرین قیرگیلن



به زنان زحمتکش

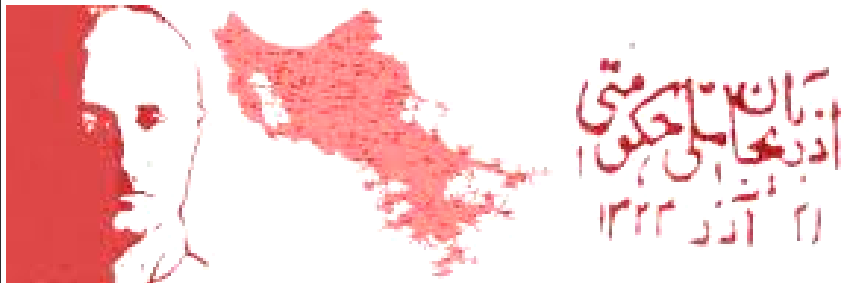
جعفر پیشه وری

رفقا! صدای سهمگین و رعدآسای انقلاب جهانی تمامی انسانها را از خواب سنگین بیدار کرد. همه بشریت از این انفجار عظیم متأثر شدند. افکار انسان ها، به سان جهانی در حال زلزله به تلاطم افتاد. این جنگ جهانشمول طبقاتی، کلیه افکار و عقاید انسان ها را در هم ریخت و عوض کرد.

رفقا! می دانید که چه جنگ های عظیم و چه مبارزات پرشوری راه افتاد است؟ البته که می دانید؛ نه که نمی دانید، می بینید و می فهمید، بلکه خود شماها هم چنان آرزوی پیروزی و موفقیت یکی از طرفین این جنگ را در قلب هایتان می پرورانید.

رفقا! آتشفشان انقلاب و جنگ های بی امان طبقاتی به زحمتکشان و ستم دیدگان راه آزادی از بردگی را آموخت. و از این میان به خصوص به شما رفقای زحمتکش و زنان مبارز که به حق ستمکش ترین و مظلوم ترین قشر جامعه را تشکیل می دهید، راه رسیدن به آزادی و سعادت را نشان داد. خودتان به درستی می دانید که در دنیای کهن اگر می خواستند کسی را مورد اهانت و تحقیر قرار دهند، او را زن و یا زن صفت خطاب می کردند.

لاکن انقلاب جهانی با دریدن قلب چرکین دنیای کهن و برداشتن پرده های ساتر حقایق را آشکار ساخته و در مقابل دیدگان همه



شکل بگیرد در شرق برای آزادی مبارزه زنان مبارزه می شد و مسئله زنان و رهایی آنان افکار عمومی را به خود مشغول داشته بود. و هم اکنون هم در حالی که همه در این باره سکوت کرده اند تنها روسیه سرخ است که حقوق زنان را در نظر گرفته و به آن جامه عمل پوشانده است. اکنون در آن جا حقوق مساوی در تمامی عرصه ها، بین زنان و مردان به وجود آمده است.

لازم به تذکر است که دنیای کهن و مناسبات ارتجاعی آن به انقلابیون کمونیست افترا زده و آنان را متهم می کنند که گویا کمونیست ها می خواهند با انقلاب کمونیستی مسائل جنسی و زنان را با اشتراک بگذارند. در حالی که کمونیست ها مثل مسلمان ها که زن را به صورت کالا و

یا حیوان مورد خرید و فروش قرار داده و آنان را مثل ملک شخصی خود نگاه می کنند، نیستند. همان طور که در سطور بالا گفتیم کمونیست ها حفاظت از ناموس زنان را از طریق چوب و چماق و یا زولور شوهرانشان به عنوان همسر و شریک زندگی مشترک قرار گرفتند. رفقا! زنان مبارز، قبل از این که فمینیزم در اروپا

قرار داده است. و یکی از این حقایق کشف استعداد بالقوه شما زنان بود که می توانید همدوش رفقای مرد خود به عنوان دو انسان با حقایق برابر و دو رفیق هم رزم قرار گرفته، و برای براندازی این جهان فرتوت و پر ظلم و جور و ساختن جهانی آزاد از نا برابری های اجتماعی دست به دست هم داده و متشکل مبارزه نمایند. با این حال هنوز هستند عده زیادی عناصر مرتجع و محافظه کار که حاضر به قبول این حقوق بر حق شما رفقای زحمتکش نیستند، و سعی می کنند مانع به دست آوردن حقوق مساوی و بر حق و انسانی اتان بشوند. لاکن انقلاب کمونیستی اساسی ترین سدی را که مانع آزادی شما زنان می شد، در هم کوبیده و از بین برده است.

رفقا با انفجار انقلاب زنان از فقر جامعه نکبت بار کهن بیرون کشیده شدند و از بی حقوقی محض به در آمدند، و در کنار شوهرانشان به عنوان همسر و شریک زندگی مشترک قرار گرفتند. رفقا! زنان مبارز، قبل از این که فمینیزم در اروپا

سپارند.

عجبا! کمونیسمی که اعتقاد عمیق به برابری حقوق انسان ها داشته و برای آن مبارزه می کند، چگونه حاضر خواهد شد که با میلیون ها زن تحت ستم و زحمتکش هم چون حیوان و یا مال التجاره برخورد نماید.

آنهایی که چنین می گویند نظرشان معلوم است. آنها برای این که جلوی رشد کمونیسم را بگیرند، غلط های زیادی هم خواهند کرد. لکن شاعر می گوید: ماهه می تابد و سگ عوعو کند. کمونیسم در راه توسعه و گسترش خویش هم چنان پیش می تازد. و این ابلهان بیهوده سر خود را درد می آورند.

رفقا دیگر وقت آن رسیده است که مادران و زنان ترک و مسلمان حقوق انسانی خود را طلب نموده تا در مسائل اقتصادی و سیاسی و اجتماعی با شوهران خود در یک سطح برابر قرار بگیرند. این هم در اداره جامعه اصول کمونیسم و به یاری مبارزه شما زنان امکان پذیر است. رفقا بیایید برای تحقق چنین اصولی و برقراری چنین مناسباتی در کنار همسران انقلابی اتان قرار گرفته و مبارزه نمایند، با همسرانتان رفیق شوید، رفیق پایدار آزادی. بگذارید با چنین مناسبات نوین و انسانی ای زندگی بغایت تلخ و مسموم گذشته پایان پذیرد و به جای ریاکاری، مکر، حيله و حسدوژی، کردار و رفتار انسان ها مملو از درستی و صداقت، عشق و محبت و رفاقت باشد. بگذارید بردگی، این داغ ننگ ابدی دنیای کهن با چشمه های زلال و پر برکت انقلابی [کمونیستی] از چهره نوع بشر برای همیشه شسته شود.

رفقا طی همین روزهای اخیر در شعبه زنان اتحادیه کارگران جوان تعدادی از زنان مسلمان اسم نویسی کرده اند. ما از این اقدامات رفقایمان قلباً مسروریم؛ چرا که تا به حال همواره این خواهران زندگی ای جدا از شوهرانشان داشته اند. تا به حال رسم این جوری بوده که زنان کارهای مخصوص به خود را داشته و مردان کارهای مخصوص به خود را. اما از این به بعد باور داریم که ما در مسائل سیاسی و اجتماعی با زنان و خواهران جوانمان در یک ردیف نشسته و به بحث و گفت و گو مشغول خواهیم شد. ما ورود خواهران مبارز و زحمتکش مان را به اتحادیه خیر مقدم گفته، صمیمانه تبریک می گوئیم و هم چنین با کمال افتخار دست شان را برای رفاقت و دوستی می فشاریم.

م-جواد زاده (پیشه وری)



از تمامی نیروهایی که خود را متعلق به جبهه کار بر علیه سرمایه، طبقه کارگر بر علیه سرمایه داران می دانند برای همکاری با این نشریه که در آغاز راه است دعوت برای همکاری به عمل می آید.

پست الکترونیکی:

Ajirmag@gmail.com

روزنامه یولداش

11 مارس 1920 - شماره 5

ترجمه: آرش.ا